

The Relationship between the Foundations of the Second Generation of Human Rights and the Theoretical Foundations of Capitalism

*Hadi Salehi**

*Amin Reza Koohestani***

DOI: 10.22096/hr.2024.2023447.1655

Received Date: 15/03/2024 - Accepted Date: 11/09/2024

Abstract

The second generation of human rights emerges from a specific theological context and in contrast to the mainstream of economic thought. This means that concepts such as social justice cannot find a place within a system that relies on the free market and the sanctity of private property. This difference in foundations manifests itself in a wide-ranging conflict between advocates of the second generation of human rights (the left) and economic freedoms (liberals). Understanding the fundamental difference between these two spheres of human life, while at the same time understanding the global unity that both influence, requires an approach to their relationship that, while paying attention to their fundamental separation, focuses on the possibilities of each of these spheres, and suggests a way to moderate them in practice.

Keywords: Human rights; second generation; capitalism; liberalism; neoliberalism.

* Assistant Professor, Department of Public Law and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran. (Corresponding Author)
Email: salehi.0306@gmail.com

** Graduated with a Master's degree in Human Rights, McGill University, Quebec, Canada.
Email: a.koohestani@mail.utoronto.ca



نسبت مبادی نسل دوم حقوق بشر با بنیادهای نظری سرمایه‌داری

هادی صالحی*

امین‌رضا کوهستانی**

DOI: 10.22096/hr.2024.2023447.1655

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱]

چکیده

نسل دوم حقوق بشر بر بستر الهیاتی ویژه و در تمایز با جریان اصلی اندیشه اقتصادی شکل می‌گیرد؛ به این معنا که مفاهیمی نظیر عدالت اجتماعی نمی‌توانند در منظومه‌ای متکی بر جریان آزاد بازار و تقدس مالکیت خصوصی جایی را به خود اختصاص دهند. این تمایز در بنیادها خود را به شکل مناقشه‌ای پر دامنه میان طرفداران نسل دوم حقوق بشر (جریان چپ) و آزادی‌های اقتصادی (لیبرال‌ها) نشان می‌دهد. از طرفی درک تمایز بنیادین میان این دو حوزه حیات بشری و در عین حال درک وحدت جهانی که هر دو در آن تأثیرگذارند، نیازمند رویکردی راجع به نسبت میان آن دو است که در عین توجه به انفصال بنیادی‌شان در نظر با تمرکز بر امکانات هر یک از این حوزه‌ها راهی را برای تعدیل آنها در عمل، پیش چشم بگذارد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ نسل دوم؛ سرمایه‌داری؛ لیبرالیسم؛ نتولیرالیسم.

* استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: salehi.0306@gmail.com

** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه مگیل، کبک، کانادا.
Email: a.koohestani@mail.utoronto.ca



۱. مقدمه

از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، در سطح جهانی مجادلات بسیاری درباره مشروعیت نظام تجارت بین الملل و به ویژه ابتدای آن بر رویکرد لیبرال مطرح شد. نقطه اوج این مجادلات تظاهرات گسترده علیه جهانی شدن در سال ۱۹۹۹ میلادی و در حاشیه اجلاس وزیران سازمان جهانی تجارت در سیاتل آمریکا بود. در این تظاهرات گروه‌های گوناگون شهروندان بسیاری از کشورها حضور داشتند. گسترده شدن دامنه فقر، گرسنگی و کاهش بهداشت و آموزش عمومی در میان برخی کشورهای متعهد به اجرای خط‌مشی‌های تجاری سازمان تجارت جهانی ناشی از بی‌توجهی به تعهدات همزمان آن دولت‌ها در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر در تضمین دسترسی ارزان به بهداشت، آموزش و حداقل استانداردهای زندگی بود؛ از این رو مناقشات مذکور را می‌توان ذیل مواجهه نسل دوم حقوق بشر و آزادی‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری بین‌المللی صورت‌بندی کرد.

در این بستر، پژوهش حاضر درصدد است تا از طرفی با نسبت‌سنجی مبانی نسل دوم حقوق بشر و رویکرد لیبرال نظم تجارت جهانی، بنیاد نظری مناقشه مذکور را ایضاح کند؛ در این راستا با آغاز از بررسی جریان‌های اصلی اقتصادی در نسبت با نسل دوم حقوق بشر، می‌کوشیم تا محل نزاع دو رویکرد مورد بحث را روشن و در ادامه، چهارچوب نظری روابط این دو رویکرد را بررسی کنیم.

مطالعات بی‌شماری بر مناسبات میان آزادسازی تجاری و حقوق بشر و همچنین تجزیه و تحلیل اثر آزادسازی تجاری بر وضعیت حقوق بشر تمرکز کرده است. نتایج این مطالعات اقدامی عاجل را پیشنهاد می‌کنند که به وسیله آن بتوان برای اجتناب از آثار منفی آزادسازی تجاری بر وضعیت حقوق بشر، تصمیماتی گرفته شود. مناسبات میان تجارت، سرمایه‌گذاری و حقوق بشر برای نخستین بار در قالب گروه کاری، توسط آقای اونیانگو و خانم اودگاما به دقت تشریح شد.^۱ متعاقب این امر، آنها از سوی کمیسیون حقوق بشر در جایگاه گزارشگران ویژه منصوب شدند تا مطالعه‌ای را بر روی موضوع جهانی شدن و اثر آن بر بهره‌مندی کامل از حقوق بشر انجام دهند.^۲ وظیفه آنها یافتن اشکال گوناگون تعامل و

1. "UN ECOSOC, The Realization of Economic, Social and Cultural Rights. Human Rights as the primary objective of international trade, investment and finance policy and practice," Working Paper submitted in accordance with Sub-Commission resolution 1998/12 (17 June 1999): E/CN.4/Sub.2/1999/11.

2. "Commission on Human Rights Decision," 2000/102 (17 April 2000).

پیشنهاد راه‌ها و وسایلی بود که از به وسیله آنها تقدم قواعد و استانداردهای حقوق بشر بتواند بهتر تحقق یابد و بهتر بتوان تجارت بین‌المللی و منطقه‌ای و رویه‌ها را به آگاهی رساند. گزارش‌ها به بررسی اثرهای حوزه‌های مختلف تحت پوشش سازمان جهانی تجارت بر وضعیت حقوق بشر دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت پرداخته است. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: آزادسازی تجارت خدمات، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، آزادسازی تولیدات کشاورزی و آزادسازی سرمایه‌گذاری. یافته‌های مطالعات پیش‌گفته، فقط در آنجا با رویکرد کلی سازمان جهانی تجارت و دیگر نهادهای تجارت بین‌الملل هم‌عقیده است که این سازمان نمی‌تواند در جایگاه سازمان حقوق بشری عمل کند. با وجود این، مطالعات نشان می‌دهند که نهادهای تجارت جهانی باید درباره پیشنهادها بررسی دقیق فعالیت‌هایش و «فرایند به جریان انداختن حقوق بشر» گشوده‌تر باشد. اساساً تکیه صرف بر پوزیتیویسم (رویکرد وضعی) و بی‌توجهی به عوامل «غیرحقوقی»، رابطه این دو نظام حقوقی (حقوق بشر و تجارت) و ارائه راه‌حل برای آشتی دادن آنها با یکدیگر را با مشکل مواجه می‌کند؛ از سوی دیگر، نمی‌توان کتمان کرد که عوامل «غیرحقوقی» هم تا جایی اهمیت دارند که موضوع توافق دولت‌ها قرار گیرند.^۳ از این رو رجوع به مبادی این دو حوزه از حیات بشری معاصر ممکن است امکان‌هایی را در تعامل این دو آشکار کند.

۲. ماهیت نسل دوم حقوق بشر در بستر نظریه‌های اقتصادی

نظام‌های گوناگون اقتصادی را می‌توان با معیاری از یکدیگر متمایز کرد: نقش و حوزه دخالت دولت در بازار. نظر به اهمیت نقش دولت در تئوری حقوق نسل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بررسی جایگاه دولت در نظریه و مدل اقتصادی‌ای که نهادهای تجاری بین‌المللی آن را ترویج می‌کنند از اهمیت بسزایی برخوردار است. در حقیقت پرسش اینجاست که مدل اقتصادی‌ای که باید دولت‌های عضو برای حضور در نظام تجارت بین‌الملل خود را با آن سازگار کنند، چگونه مصادیق نسل دوم حقوق بشر از جمله حق بر تأمین اجتماعی^۴ و حق بر بالاترین استانداردهای سلامت^۵ را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات* (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳)، ۴-۸.

4. "The right to social security: General Comment no. 18 (2008), under discussion, the committee on economic, social and cultural rights," Visited on 13/12/2008, <http://www2.ohchr.org/english/bodies/cescr/comments.htm>.

5. "The right to the highest attainable standard of health," *General Comment* no. 14 (2000): 11/08/2000 .E/C.12/2000/4.

۲-۱. ماهیت حقوقی نسل دوم حقوق بشر

اصطلاح حقوق بشر، دست کم موجد دو معناست؛ یکی مفهومی فلسفی است که به صورت مناقشه برانگیزی، ریشه‌های خود را در حقوق طبیعی، مباحثات انتهای قرون وسطی و قرن هجدهم می‌یابد و دیگری به منزله شاخه‌ای از حقوق است که بعد از جنگ جهانی دوم به شاخه‌ای نوخاسته از حقوق بین‌الملل تبدیل می‌شود. حقوق بشر در معنای دوم مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هاست که چهارچوبی مدون یافته است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (غیر الزام‌آور) و دو میثاق بین‌المللی ۱۹۶۶ (الزام‌آور) متبلور شده‌اند.

گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر حاکی از آن است که همه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی دست کم یکی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر را به تصویب رسانده‌اند. ضمن اینکه اکثریت وسیعی از دولت‌های عضو به دو سند یا بیشتر پیوسته‌اند.^۶ ظهور میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی سبب شد تا برای نخستین بار پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفاهیم برابری و عدالت اجتماعی مشروحاً در سند حقوقی بین‌المللی انعکاس یابد: حق بر بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای سلامت، حق بر آموزش، حق بر تغذیه مناسب، حق بر آب سالم و حق بر تأمین اجتماعی از جمله حقوقی بود که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین شده بود. با تصویب پروتکل الحاقی به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص «دادخواهی فردی» در دسامبر ۲۰۰۸، انتقاد منتقدین این دسته از حقوق مبنی بر غیرقابل دادخواهی بودن آنها تا حدود زیادی کم‌رنگ شد؛ ضمن آنکه حتی پیش از تصویب این پروتکل، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قوانین اساسی بیش از ۱۰۰ کشور در جهان گنجانده شده بود و نمونه‌های فراوانی از تصمیمات مراجع ملی در حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منزله حقوق اساسی افراد وجود دارد. از جمله می‌توان به تصمیم دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی در حمایت از حق بر مسکن و حق بر سلامت اشاره کرد؛^۷ اما اینکه تحقق کامل حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بشر عموماً قابل حصول در دوره زمانی کوتاه نیست، گاهی به گونه‌ای تعبیر می‌شود که این حقوق را خالی از هرگونه محتوایی می‌کند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقام تفسیر این ماده تصریح می‌کند که این عبارت باید در پرتوی هدف کلی میثاق

6. "OHCHR, Liberalisation of Trade and Services and Human Rights—Report of the High Commissioner," 25 Jun 2002. E/CN.S/Sub.2/2002/9 (Report on GATS), para 5.

7. "Government of South Africa and Other v Grootboom (2001) 1 SA 46 CC and Treatment Action Campaign & Ors v. Minister of Health & Ors," (2002) 5 SA 721 CC.

نسبت مبادی نسل دوم حقوق بشر با بنیادهای نظری سرمایه‌داری / صالحی و کوهستانی ۱۰۵

و علت وجودی آن تفسیر شود. این امر مستلزم استفاده کامل از حداکثر منابع موجود در داخل کشور و جلب منابع جامعه بین‌المللی از راه همکاری و مساعدت بین‌المللی است.^۸ «تعهدات به‌وسیله» موجود در میثاق دست‌کم بر پایه دو «تعهد به نتیجه» مهم استوار شده‌اند: یک، تضمین اجرای میثاق بدون تبعیض و دو، تعهد به انجام دادن اقدام.^۹ با این وجود، این امر، ماهیت حقوق مدنی و سیاسی را به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نزدیک نمی‌کند؛ به بیان دیگر، مناقشه‌ای که به حیث تئوریک میان طرفداران دو نسل از حقوق بشر وجود دارد، امروزه در قامت پرسش از ماهیت حقوقی اسناد نسل دوم ظاهر می‌شود.

با این مقدمه در خصوص ماهیت حقوقی نسل دوم حقوق بشر در ادامه این بخش می‌کوشیم، سلسله نسبت‌های این حقوق را با نظریه‌های غالب اقتصادی بررسی کنیم.^{۱۰}

۲-۲. لیبرالیسم: آدام اسمیت و فردریک هایک

اقتصاددانان کلاسیک به آن نوع مدل اقتصادی معتقدند که نیروهای موجود در بازار بتوانند با آزادی کامل در آن عمل کنند و دولت در بازار دخالت نکند؛ چراکه به نظر ایشان فقط در این صورت است که تعادل برقرار می‌شود.^{۱۱} آدام اسمیت در اثر معروف خود، *ثروت ملل*، معتقد است، اکثر اتفاقات مطلوب معمولاً نتایج ناخواسته اعمال انسان است و «دستی نامرئی» علائق جامعه را اعتلا می‌بخشد. این تئوری که با عنوان «نتایج ناخواسته» شناخته شده است، بعدها در قرن بیستم دست‌مایه تئوریک نوکلاسیک‌هایی چون فردریک هایک، میلتون فریدمن و... در رد دخالت دولت در بازار قرار گرفت.^{۱۲} هایک اندیشه اسمیت را در قرن بیستم احیا کرد. تئوری «نظم خودانگیخته بازار» یا «کاتالاکسی» مورد نظر هایک در حقیقت شکل تعمیم‌یافته «لیسه فر» مورد نظر اسمیت بود.^{۱۳} هایک، که به‌واقع فیلسوف-اقتصاددانی بزرگ به شمار می‌رود، دستگاه فکری‌ای را بنیان نهاد که حاکمیت بازار را در همه عرصه‌ها مشروعیت می‌بخشید. به نظر او، «نظم» در جوامع بزرگ مبتنی بر قواعد کلی و

8. "The Nature of States Parties Obligations" (Art. 2, par.1): 14/12/90, CESCR, General Comment 3, para 9.

9. "The Nature of States Parties Obligations" (Art. 2, par.1): 14/12/90, CESCR, General Comment 3, para. 1.

۱۰. احمد جعفر صمیمی، «بررسی تحولات اخیر در مکتب‌های اقتصاد کلان»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵ (زمستان ۱۳۷۶): ۳۱-۵۴. ISC 24.

۱۱. صمیمی، «بررسی تحولات اخیر در مکتب‌های اقتصاد کلان»، ۳۱-۵۳.

۱۲. آمارتیا سن، توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، چاپ دوم (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵)، ۳۹۴-۳۹۶.

۱۳. فردریش فون هایک، درکنگره آزادی، ترجمه عزت‌ا... فولادوند، چاپ اول (تهران: لوح فکر، ۱۳۸۲)، ۷۹.

قانون است. هرکس به دنبال هدف خود است، اما نظم همچنان وجود دارد. به بیان دیگر، نظام‌های اقتصادی مبتنی بر عدم دخالت دولت از نظمی خودجوش و طبیعی بهره می‌برند که در آنها آزادی در رقابت سبب افزایش کارایی، پیدایش کالاهای جدید، کاهش هزینه تولید و جلوگیری از تورم می‌شود.^{۱۴} از نظر هایک، «عدالت» ویژگی فردی است نه ویژگی‌ای برای نظام اقتصادی. به نظر او، «نابرابری» در دستمزد، افراد را درگیر تولید و توزیع نادرست این نقش هدایت‌کننده می‌کند. به همین دلیل به نظر هایک، مفهوم عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی بازار کاملاً بی‌معناست.^{۱۵}

افزون بر هایک، اقتصاددانان بسیاری به حمایت از بازار آزاد پرداختند. در میان آنها میلتون فریدمن، مشاور اقتصادی نیکسون و ریگان به بازاری کاملاً آزاد معتقد بود که هیچگونه طرح دولتی برای رشد در آن وجود ندارد. به نظر او، نظارت دولت نه فقط ناکارآمد، بلکه غیراخلاقی است. فریدمن وظیفه دولت را محدود به تعیین چهارچوب‌ها، دفاع از کشور و تضمین وجود نظام حقوقی مناسب می‌داند.^{۱۶} به نظر او برای فقرای باقی‌مانده در خارج از چهارچوب بازار، همیشه افرادی هستند که شخصاً به آنها کمک کنند.^{۱۷} صرف‌نظر از فریدمن، گروه‌های دیگری از اراده‌گرایان (لیبرتریان‌ها) وجود دارند که پای را فراتر نهاده‌اند و خواستار مدلی آنارشیک از نظام سرمایه‌داری (آنارکو کاپیتالیزم) (Anarcho Capitalism) هستند. از آن جمله می‌توان به موری رتبارد، دیوید دی فریدمن و این راند اشاره کرد. آنها دولت را موجودی زائد می‌دانند که باید به کلی از میان برود.

طرفداران سرمایه‌داری آنارشیستی معتقدند که خدمات پلیس، دادگاه‌ها و سایر خدمات امنیتی باید توسط بخش خصوصی صورت گیرد و داوطلبانه از سوی طرف‌های دعوا تأمین مالی شوند، نه از طریق اخذ مالیات‌های اجباری از مردم؛ چراکه این طرفداران افراطی حذف دولت، مالیات را نوعی دزدی از سوی دولت می‌دانند. دولت‌ها از نقطه‌نظر آنارکو کاپیتالیزم، واحدهایی سلطه‌جو هستند که تجارت و آزادی‌های فردی را تهدید می‌کنند. آنها خواهان حذف آموزش اجباری، خدمت سربازی اجباری، ممنوعیت خرید و فروش مواد مخدر و... هستند، چراکه این قوانین را محدودکننده آزادی‌های فردی می‌دانند.

۱۴. حسین بشیریه، «بزرگان لیبرالیسم جدید در مقابل تجربه دولت رفاهی»، هم‌میهن، مورخ ۷ و ۱۳۷۹/۲/۸.

۱۵. استفان بارون، «نابرابری یک الزام است [مصاحبه با هایک]»، ترجمه هوشنگ امینی، نامه‌اتاقی بازرگانی، شماره ۳ (۱۳۷۷): ۲۱-۲۲.

۱۶. موسی غنی‌نژاد، درباره هایک، چاپ اول (تهران: نگاه معاصر، وابسته به توسعه پژوهشی نگاه معاصر، ۱۳۸۱)، ۹۱.

۱۷. میلتون فریدمن، سرمایه‌داری و آزادی، ترجمه غلامرضا رشیدی، چاپ اول (تهران: نشر غزال، ۱۳۸۰)، ۱۲۶.

نسبت مبادی نسل دوم حقوق بشر با بنیادهای نظری سرمایه‌داری / صالحی و کوهستانی ۱۰۷

در این میان، این راند (Ayn Rand) در کتاب خود، با عنوان در فضیلت خودخواهی، اساس زندگی اخلاقی را توجه به منافع و علائق شخصی می‌داند و می‌گوید اگر هر فرد صرفاً به تأمین مصالح خود بپردازد، مصلحت کل جامعه تأمین خواهد شد. راند اصل مبادله و تجارت را فقط اصل اخلاقی حاکم بر کل روابط انسانی می‌داند و معتقد است فرد مبادله‌گر، فردی اخلاقی است؛ چون فقط چیزی را طلب می‌کند که استحقاقش را دارد.^{۱۸}

نفوذ اندیشه بازار آزاد بر سیاست‌های اقتصادی اعمال شده در جهان از دهه هفتاد تاکنون و ظهور نئولیبرالیسم بسیار زیاد بوده است. استراتژی اقتصادی تاچر و ریگان در اواسط دهه هفتاد، که منجر به تزریق سیاست‌های نو لیبرالیستی در عرصه نهادهای اقتصادی و تجارت بین‌المللی شد، کاملاً با الهام از نظریات هایک و شاگردان او چون میلتون فریدمن بود.^{۱۹} خصوصی‌سازی نامحدود، «گشودن حوزه‌هایی جدید به روی انباشت سرمایه در قلمروهایی را طلب می‌کرد که تا به حال برای محاسبه سوددهی ممنوع‌الورود به شمار می‌آمدند. انواع خدمات عمومی (آب، مخابرات و حمل‌ونقل)، تأمین رفاه اجتماعی (مسکن، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، حقوق بازنشستگی) و... همگی تا حدودی در سراسر جهان سرمایه‌داری و بیرون از آن (مثلاً در چین) به بخش خصوصی واگذار شده‌اند».^{۲۰} این امر به معنی محدود کردن دولت در ایفای نقش کلیدی‌اش در تأمین کالاها و خدمات عمومی و گسترش رفاه اجتماعی در جامعه بود.

تئوری اقتصادی هایک پس از پایان جنگ سرد اهداف اصلی سازمان جهانی تجارت را تشکیل داد که نتیجه‌اش تحکیم خط‌مشی اقتصادی نئولیبرالیسم در اقتصاد ملی و جهانی بود و عملاً باز کردن هرچه بیشتر مناطق جهان بر روی جریان آزاد سرمایه را به دنبال داشت.

۲-۳. منتقدان لیبرالیسم: آمارتیا سن و جان گری

تکیه صرف بر نظم خودانگیخته بازار یا به تعبیر اسمیت «دست نامرئی بازار» در درجه نخست، حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد بشر را تهدید می‌کند؛ چراکه بدون در نظر گرفتن مسئولیت

18. Ayn Rand, *The Virtue of Selfishness, A New Concept of Egoism*, Review George P. Klubertanz (Signet: 1964), 43.

۱۹. معروف است که مارگارت تاچر در یکی از سخنرانی‌هایش، کتاب در کنگره آزادی هایک را از کیف خود بیرون آورد و در حالی که آن را به مخاطبان نشان داد، گفت: وقتی مردم از شما می‌پرسند که ما برای چه اصولی ایستاده‌ایم؟ [به آنها پاسخ دهید] این [کتاب] چیزی است که ما به آن اعتقاد داریم.

۲۰. دیوید هاروی، تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه دکتر محمود عبدالله‌زاده (تهران: اختران، ۱۳۸۶)، ۲۲۳.

اجتماعی برای عوامل موجود در بازار، حقوق بشر افراد تحقق نمی‌یابد. هرچند این مسئولیت اجتماعی (تعهدات حقوق اقتصادی، اجتماعی) با سبب‌های دینی (مسیحی) در اندیشه‌های پیش از اسمیت حضور داشت با طلوع نظریات اسمیت و اهمیت یافتن سود شخصی، مسئولیت اجتماعی مکتوم در حقوق به‌مرور رنگ باخت.^{۲۱} ظهور اندیشه‌هایک در اواسط قرن بیستم در حقیقت میخی بر تابوت مسئولیت اجتماعی دولت در تأمین حقوق مثبت افراد بود.

اما تجربه اعمال لیبرالیسم بازار در قالب نهادهای تجاری بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت، حاکی از ناکافی بودن تکیه صرف بر نظم خودانگیخته بازار برای تحقق حقوق اقتصادی اجتماعی افراد است. براساس مطالعه‌ای که مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاست‌گذاری (The Center for Economic and Policy Research) انجام داده است، یک مقایسه تفصیلی میان دوره زمانی اعمال سیاست‌های نو لیبرالیستی (از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰) و دو دهه پیش از آن، یعنی اعمال مدل اقتصادی لیبرالیسم درونی‌شده (از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰)، حکایت از افت جدی بسیاری از شاخص‌ها طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دارد. کاهش نرخ رشد متوسط طول عمر، کاهش پیشرفت در زمینه کاستن از مرگ و میر نوزادان و کودکان و کاهش پیشرفت در آموزش و پرورش و سوادآموزی از آنهاست.^{۲۲}

این امر باعث شد تا بازار انتقادات علیه نظم نولیبرالی حاکم بر اقتصاد جهانی داغ شود. این انتقادات از درون و بیرون نظام لیبرالیسم مطرح می‌شد. با پایان یافتن کمونیسیم در ابتدای دهه نود، موج اصلی انتقادات از درون نظام لیبرالیسم سرچشمه گرفت: حرکتی به‌منظور حل بحران‌های فزاینده لیبرالیسم.

آمارتیا سن در نقد تئوری «نتایج ناخواسته» می‌گوید: «هر اقدامی نتایج بسیار به دنبال دارد و فقط معدودی از اقدامات می‌توانند از آغاز مورد نظر اقدام‌کننده باشند. آیا درک این موضوع حکایت از یک دانایی بزرگ دارد؟... این شناخت نه‌چندان مهم را نمی‌توان تفکری خطیر دانست، اما هر رویداد ناخواسته لزوماً قابل‌پیش‌بینی نیست. استدلال‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند رویدادهایی را نیز به حساب آورند که اگرچه ناخواسته‌اند، حاصل ترتیبات نهادی موجودند و این ترتیبات نهادین موجود را می‌توان با در نظر گرفتن احتمال بروز نتایج ناخواسته ارزیابی کرد».^{۲۳}

۲۱. نگاه کنید به بخش یکم، حقوق بشر و سرمایه‌داری: استحاله‌ای از حق به فایده.

۲۲. آلکس کالینکوس، *مانیفست ضد سرمایه‌داری*، ترجمه ناصر زرافشان، چاپ یکم (تهران: آگاه، ۱۳۸۶)، ۳۷-۴۱.

۲۳. آمارتیا سن، *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، چاپ دوم (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵)، ۳۹۴-۳۹۶.

نسبت مبادی نسل دوم حقوق بشر با بنیادهای نظری سرمایه‌داری / صالحی و کوهستانی ۱۰۹

از سوی دیگر آمارتیبسن تلاش می‌کند تا خوانشی نو از آرای اسمیت ارائه دهد. او می‌خواهد نشان دهد که آدام اسمیت، پدر اقتصاد مدرن، پیامبر تک‌بعدی سود شخصی نیست.^{۲۴} به نظر سن، این برداشت از انگیزه‌های انسان در پرتوی مشاهدات عملی پایدار نیست. او اعتقاد دارد این نتیجه‌گیری درست نیست که بگوییم موفقیت سرمایه‌داری به‌مثابه نظام اقتصادی، فقط بر رفتارهای سودجویانه شخصی استوار است. این موفقیت در گروه نظام ارزشی پیچیده و ظریف است که دارای اجزای فراوان از قبیل اعتماد، امانت، درست‌کرداری و داد و ستد است. هر نظام اقتصادی نیازمند اخلاقیات رفتاری است و سرمایه‌داری نیز از این امر مستثنی نیست.^{۲۵}

آمارتیبسن معتقد است که آزادی نمی‌تواند دیدگاهی از توسعه ارائه دهد که به‌سادگی قابل تأویل به فرمولی ساده چون انباشت سرمایه یا آزادسازی بازارها یا برخورداری از برنامه‌ریزی کارآمد باشد. به نظر او، اصلی که تمامی این اجزا و تکه‌ها را در خود جای می‌دهد، توجه به اعتلای آزادی‌های فردی و تعهد اجتماعی در فعلیت بخشیدن به آنهاست.^{۲۶} از سوی دیگر باید دانست که سن به‌کل با تئوری بازار آزاد مخالف نیست. او کتاب معروف خود، توسعه به‌مثابه آزادی، سراسر واجد ویژگی‌های اسمیتی می‌داند. او حتی در زمینه مخالفت با حقوق اقتصادی، اجتماعی افراد با هایک همراه می‌شود و می‌نویسد:

بسیار زیباست که بگوییم همه افراد بشر از حق دسترسی به غذا و دارو برخوردارند، اما اگر هیچ مرجعی برای عملی کردن این حق به وجود نیاید، این حقوق فاقد معنایی واقعی خواهد بود. این مفهوم حقوق بشر دلگرم‌کننده، اما به معنای واقعی کلمه، بی‌ربط و پریشان خواهد بود. به این ترتیب این ادعاها به‌جای حقوق، عقده‌هایی گلوگیرند.^{۲۷}

او در خصوص چگونگی اجرای عدالت معتقد است که بیشترین و مهم‌ترین موضوعیت و اهمیت عدالت در گروه تعیین حدی برای بی‌عدالتی مجاز است که توافق منطقی با دلیل بر سر آن امکان‌پذیر باشد؛ نه اینکه از فرمولی موجود در مورد اینکه دنیا دقیقاً باید چگونه اداره شود، اقتباس شده باشد.^{۲۸}

۲۴. سن، توسعه یعنی آزادی، ۴۱۰-۴۱۳.

۲۵. سن، توسعه یعنی آزادی، ۴۲۱-۴۲۲.

۲۶. سن، توسعه یعنی آزادی، ۴۴۲.

۲۷. سن، توسعه یعنی آزادی، ۳۶۴.

۲۸. سن، توسعه یعنی آزادی، ۴۱۶-۴۱۷.

گری یکی از مهم‌ترین ناقدان لیبرالیسم در جهان معاصر است. او که خود در روزهای صدارتِ تاچر از مشاوران وی و از مدافعان سیاست‌های نئولیبرالیسم بود، بعدها به یکی از مهم‌ترین منتقدان آن تبدیل شد. نقد او از نظریات هایدک بیشتر بر این مناسبت که اندیشه‌های هایدک در فضای جهان دوقطبی (سوسیالیسم و لیبرالیسم) معنی داشت و برای دوران پس از سقوط سوسیالیسم سالبه به انتفای موضوع است؛ چراکه در این دوران اشکال گوناگونی از لیبرالیسم وجود دارد که «لیبرالیسم هایدک» فقط یکی از انواع لیبرالیسم موجود را تشکیل می‌دهد. به نظر گری در جامعه کنونی (جامعه مابعد لیبرالیسم) ما به مرحله‌ای وارد شدیم که تقریباً اندیشه‌های لیبرالیستی موجود به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای جامعه نیستند. بنابراین باید تلفیقی از اندیشه‌ها را داشت. به همین دلیل است که گری خود را «لیبرال پلورال» می‌خواند.^{۲۹} جان گری با بهره‌گیری از اندیشه کارل پولانی به نگرشی تاریخی در خصوص فرایند شکل‌گیری بازار در تعامل با شرایط اجتماعی می‌پردازد. او شکل‌گیری «جوامع بازاری» را حاصل دخالت دولت در مناسبات اجتماعی می‌داند، نه تصادف یا تکامل. از سوی دیگر به نظر گری، شکل‌گیری نظام لسه فر در قرن نوزدهم ناشی از پدیده منحصربه‌فرد آنگلساکسونی در انگلستان است که در جوامع دیگر وجود نداشت و از این رو قابل تکرار نیست. در انگلستان، نتایج اعمال سیاست لسه فر در فاصله سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۸۴۰ سبب افزایش بهره‌وری و ثروت شد؛ اما این رونق با هزینه اجتماعی غیرقابل دفاعی همراه بود.

به نظر گری، ظهور بازارهای آزاد قرن نوزدهم در انگلستان، بازارهای اجتماعی ریشه‌دار گذشته را در هم شکست. این تجربه مهندسی اجتماعی، بازار آزاد جدیدی را خلق کرد که در آن قیمت‌ها بدون توجه به آثار اجتماعی‌شان در نوسان بودند؛ اما پیش از آن، بازارهای اجتماعی مورد توجه قرار می‌گرفت و سامان زندگی اقتصادی مقید به حفظ هماهنگی اجتماعی بود.^{۳۰} اما از ربع پایانی قرن نوزدهم با رشد قانونگذاری رفاهی، حرکت وسیعی به سوی دولت رفاهی روی داد.^{۳۱}

به نظر جان گری در دهه ۱۹۸۰، طلوع کاذب بازار آزاد در قالب اجماع واشنگتن شبیه تحول قرن نوزدهم بود؛ اما این بار با هزینه‌های اجتماعی بیشتر از جمله گسترش نابرابری در

۲۹. موسی غنی‌نژاد و خشایار دیهیمی، «مروری بر آثار و اندیشه‌های هایدک»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۵ (دوره جدید فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳): ۱۱۶-۱۲۱.

30. John Gray, *False Dawn: The Delusions of Global Capitalism* (London: Granta Books: 1998), 22.

۳۱. جان گری، «بازارهای جهانی به‌مثابه یک اتوپیا»، ترجمه امیر ترکمانی، هفته‌نامه عصر ما، شماره ۲۰۳ (۱۳۹۲).

نسبت مبادی نسل دوم حقوق بشر با بنیادهای نظری سرمایه‌داری / صالحی و کوهستانی ۱۱۱

سطح ملی و جهانی.^{۳۲} او در مقدمه کتاب خود، طلوع کاذب، می‌نویسد:

بازارهای آزاد، ساخته و پرداخته قدرت دولتی هستند و تا زمانی قادر به ادامه حیات‌اند که دولت توانایی پاسخگویی به نیازهای انسانی و کنترل بر واکنش‌های منفی ناشی از آزادسازی را داشته باشد.^{۳۳}

آنچه از نظریات گری می‌توان برداشت کرد این است که او فیلسوف پست‌مدرن با زمینه فکری لیبرال - پلورالیسم است که عقل مدرن و اصولاً پروژه روشنگری را به‌نقد می‌کشد. تئوری بازار واحد جهانی از نگاه گری، ریشه در پروژه روشنگری (ایجاد تمدن واحد) دارد که آن را درست هم‌تراز با تئوری شوروی در تحقق یوتوپای کمونیسم می‌داند. به نظر گری، هر دو تئوری (بازار و کمونیسم) خرد و کارایی را ستایش می‌کنند و به امپریالیسم فرهنگی باور دارند. به بیان دیگر، نولیبرال‌ها و مارکسیست‌ها هر دو به‌نوعی حتمیت‌گرایی (دترمینیسم) معتقدند.^{۳۴}

گری معتقد است که برخلاف ادعای جهان‌شمولی بازار آزاد، طرح نوسازی اقتصادی که از سوی نهادهای بین‌المللی چون سازمان جهانی تجارت مطرح می‌شود در تمام نقاط دنیا نتایج واحد و یکسانی ندارد. به عبارت دیگر، بذریه بازار آزاد هرکجا که پاشیده شد، سرمایه‌داری خاص خود را خلق کرده است.^{۳۵} در حقیقت، گری در لیبرالیسم به دنبال قالب و چهارچوبی خنثی از حقوق است که در محدوده آن افراد می‌توانند درک‌ها و مفهوم‌های متفاوت خود را از خیر دنبال کنند. این در حقیقت همان چیزی است که گری از آن با عنوان پسالیبرالیسم یاد می‌کند. اندیشه گری ما را در شکل‌دهی به الگوی ایدئالمان برای مقررات بین‌المللی تجارت در قالب سازمان جهانی تجارت بسیار یاری خواهد کرد؛ یعنی دست یازیدن به الگویی که تنوع اقتصادی کشورها و درجه توسعه‌یافتگی آنها را در مقررات جهانی تجارت مورد ملاحظه قرار دهد.

۳۲. گری، «بازارهای جهانی به‌مثابه یک اتوپیا».

33. Gray, *False Dawn: The Delusions of Global Capitalism*, 22.

34. John Gray, "The End of History," *IWM Newsletter* 77, no. 3, (Summer 2002): 23. Visited on 20/12/2008. <http://www.iwm.at/publ/nl-77.pdf>.

35. Gray, "The End of History," 20.

۳. نسبت‌سنجی نسل دوم حقوق بشر و سرمایه‌داری در ساحت مبانی

۱-۳. از اخلاق مسیحی تا فایده‌گرایی سکولار

«حقوق اقتصادی اجتماعی بشر» و «تجارت» هر دو پس از جنگ جهانی دوم وارد منظومه حقوق بین‌الملل مدون شدند؛ با وجود این، ورود این دو به این عرصه شروع مناسبات میان آنها نبود؛^{۳۶} اهمیت شناسایی ریشه‌های این دو مفهوم در آن است که اگر حقوق بشر و سرمایه‌داری هر دو از بستر عصر روشنگری برخاسته باشند و بخش‌هایی از یک تئوری واحد را تشکیل دهند، آنگاه می‌توان میان حقوق بشر، حقوق مالکیت و حقوق طبیعی یک رابطه همبستگی برقرار کرد؛ اما در مقابل اگر اثبات شود که حقوق بشر و سرمایه‌داری از حیث زمانی از مبادی فکری و فلسفی متفاوتی برخوردارند، آنگاه نظر آن دسته از نویسندگان، که حقوق بشر و سرمایه‌داری را هم‌ریشه و سازگار با یکدیگر قلمداد می‌کنند، رد خواهد شد. بدین ترتیب راه برای شناخت نسبت درست میان این دو مفهوم هموار می‌شود.

تئوری جک دانلی در خصوص ریشه‌های شکل‌گیری حقوق بشر حاکی از ریشه گرفتن مفهوم کنونی حقوق بشر از مفهوم حقوق طبیعی در قرن هجدهم است که به خودی خود از تئوری مالکیت سرچشمه گرفته است. بنابراین، «حقوق بشر» و «مالکیت» به لحاظ مفهومی به هم مرتبط‌اند و تعهد به حقوق بشر تعهد به مالکیت خصوصی و سرمایه‌داری را نیز به همراه دارد.^{۳۷}

در مقابل مایکل فریمن معتقد است ریشه‌های شکل‌گیری حقوق بشر امروزی نه در گفتمان قرن هجدهمی حقوق طبیعی که در مناقشات برخاسته از دوران انتهایی قرون وسطی، حول محور مالکیت غیر بورژوازی قرار دارد.^{۳۸} او با بهره‌گیری از یافته‌های مطالعاتی برخی

36. Thomas Cottier, "Trade and human rights: A relationship to discover," *Journal of International Economic Law* 5 (Mar 2002), Iss. 1, at 111-132; and Petersmann E-U, "Time for united nations global compact for integrating human rights into the law of world wide organization," *lesson from European integration, European journal of international law*, no. 3 (2002), at 3.

37. Jack Donnelly, "Natural law and right in Aquinas' political thought," *Western Political Quarterly* (1980): 33, 35-520; Jack Donnelly, *Universal Human Rights in Theory and practice* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1989); Jack Donnelly, *Universal Human Rights in Theory and practice*, second edition (Ithaca, NY: Cornell University Press, 2003).

38. M. Freeman, *Beyond capitalism and socialism*, on this book: Dine, Janet (and others), *Human Rights and Capitalism: A multidisciplinary Perspective on Globalization, Corporation, Globalization and Law Series* (2006): 3-28.

نسبت مبادی نسل دوم حقوق بشر با بنیادهای نظری سرمایه‌داری / صالحی و کوهستانی ۱۱۳

دیگر از نویسندگان^{۳۹} بر این نظر است که حقوق بشر ریشه‌های اخلاق‌گرایانه و مسیحی دارد و نه سودگرایانه و سکولار.

اهمیت بررسی مناسبات حقوق طبیعی و سرمایه‌داری در اندیشه لاک به واسطه اهمیت است که به لاک در جایگاه نظریه‌پرداز مؤسس حقوق بشر داده‌اند.^{۴۰} ریشه‌های حقوق بشر کنونی در اخلاق، مسیحیت یا لاقول لیبرالیسمی غیرمنفعت‌طلبانه از لاک و کانت قرار دارد و نه اندیشه سرمایه‌داری. با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که اندیشه لاک که دولت محدود و جامعه تجاری به خود متکی را ترویج می‌داد، سرمایه‌داری را به مثابه تبعات ناخودآگاه خود به دنبال داشت.^{۴۱} اسمیت در ثروت ملل نشان می‌دهد که ثروتمند شدن جامعه در سایه ثروتمند شدن افراد و جست‌وجوی نفع شخصی آنها امکان‌پذیر است. در حقیقت، او بود که تئوری «هماهنگی منافع فردی و جمعی» را مطرح کرد؛ تئوری‌ای که شالوده اقتصاد سیاسی کلاسیک بود.^{۴۲} ظهور اندیشه آدام اسمیت آغاز دوره گذار از «حقوق» به «بازار» است؛ دوره‌ای که با آرج یافتن مفهوم سود فردی، درون تهی شدن تئوری لاک از مسئولیت اجتماعی مسیحی و سکولار شدن تئوری سیاسی، «مسئولیت اجتماعی» از «مالکیت» جدا شد. به بیان دیگر، اسمیت به تلاشی تئوریک همت گمارد تا «منفعت فردی» را جایگزین منفعت عمومی کند و آنها را یکی فرض کند.^{۴۳}

برخورد مقررات حقوق تجاری بین‌المللی (در قالب مقررات سازمان جهانی تجارت) با حقوق بین‌الملل بشر چیزی جز درگیری اندیشه فایده‌گرایی با حقوق طبیعی نیست. در حقیقت تئوری رسمی حقوق بشر که در حقوق بین‌الملل تدوین شده و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی،

۳۹. نویسندگانی چون برت تیرنی و تاک. دک به:

Annabel S Brett, *Liberty, Right and Nature: Individual Rights in Later Scholastic Thought* (Cambridge University Press 2003); Brian Tierney, *The Idea of Natural Rights: Studies on natural Rights, Natural Law, and Church Law* (Atlanta, GA: Scholars Press, 1997), 1150-1625; and Richard Tuck, *Natural Rights Theories: Their Origin and Development* (Cambridge: Cambridge University Press, 1979).

۴۰. دانلی این اهمیت را برای لاک قائل است.

Donnelly, "Natural law and right in Aquinas' political thought," 88-106.

41. Freeman, "Beyond capitalism and socialism," 20.

۴۲. موسی غنی‌نژاد، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی اقتصاد، چاپ اول (تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶).

43. Freeman, "Beyond capitalism and socialism," 20.

انعکاس یافته است، ریشه در نگرش حق‌محوری دارد که در نوشته‌های لاک، کانت، روسو (قرن هفدهم و هجدهم) و پیش از آن در دوران انتهای قرون وسطی بیان شده بود. تئوری اسمیت، آینه‌ای معوج از اندیشه دولت محدود لاک بود که آن را با استحاله ارزشی و حذف مسئولیت اخلاقی - مسیحی، تبدیل به تئوری‌ای دیگرگونه کرد. تئوری‌ای که دو‌یست سال بعد، اندیشمندان مکتب اتریش و شیکاگو از جمله هایک و میلتون فریدمن، بنای نظم جهانی اقتصاد و سازمان جهانی تجارت را بر آن تکیه دادند.

فایده‌گرایی به‌طور سنتی به مقررات تجاری جهانی مشروعیت اخلاقی داده است.^{۴۴} مقررات حقوق تجارت بین‌الملل عموماً بر این مبنا توجیه می‌شوند که مبادلات اقتصادی کارآمد و غیر تبعیض‌آمیز افزایش رفاه را به ارمغان می‌آورد. بنابراین تمایزی را که میان این دو نظام اخلاقی، تعهدات متفاوت آنها و اینکه چه چیز «عادلانه» است و چه چیز حاوی «فایده» است، باید مورد توجه قرار داد.^{۴۵} با آگاهی یافتن درباره ریشه‌های متمایز حقوق بشر و سرمایه‌داری از یکدیگر، زمینه برای درک صحیح رابطه میان سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر فراهم می‌شود.

۲-۳. استقلال در نظر و مناسبات عملی

منظور از نسبت در اینجا رابطه‌ای است که مبنا را بر تأثیر و تأثر متقابل حقوق بشر و سرمایه‌داری قرار می‌دهد. با این تفاوت که لیبرال‌های کلاسیک و نو در قالب نهادهای بین‌المللی مربوطه این تأثیر و تأثر مقابل را مثبت و هم‌افزا می‌دانند؛ ولی برخی دیگر در قالب برخی نهادهای مدنی این اثر متقابل را منفی و معکوس قلمداد می‌کنند. به عبارت دیگر، دو جریان فکری در دو قطب مخالف، با ابزارهای روش‌شناختی و یافته‌های نهایی متفاوت، هم‌نوا می‌گویند که حقوق بشر و سرمایه‌داری لزوماً و ضرورتاً اثر متقابل بر روی هم می‌گذارند.

لیبرال‌های کلاسیک و نو معتقدند که حقوق بشر فقط در بستر سرمایه‌داری قابل تحقق است؛ چراکه به زعم آنها حقوق بشر و سرمایه‌داری از حیث هستی‌شناختی (انتولوژیکال)

44. Frank J. Garcia, "The Global Market and Human Rights: Trading Away the Human Rights Principle," *Brooklyn Journal of International Law*: no. 25 (1999) 51-97; T. Cottier, "Trade and human rights: A relationship to discover," 111-132, and 115.

45. James. Harrison, *The Human Rights impact of the World Trade Organization* (UK: Hart Publishing, 2007), 21.

(Ontological) و اخلاقی بر پایه آزادی بنا شده‌اند.^{۴۶} این نحله فکری طرفدار روایتی تاریخی از تئوری حقوق مالکیت است که در آن حقوق بشر از مفهوم قرن هجدهمی حقوق طبیعی ریشه می‌گیرد و از این طریق مفاهیم حقوق طبیعی، مالکیت و حقوق بشر به هم تنیده می‌شوند؛ اما در آن سو، گروه دوم نیز معتقد است میان حقوق بشر و سرمایه‌داری رابطه ضروری برقرار است؛ با این تفاوت که این رابطه را از نوع رابطه «ضروری منفی» می‌دانند. آنها می‌گویند سرمایه‌داری همیشه با استثمار انسان، سرکوب و نقض حقوق بشر همراه است.^{۴۷} در این راستا برخی نهادهای مدنی در گزارش‌های خود، استدلال می‌کنند که گات ذاتاً برای خدمات اساسی خطرناک است.^{۴۸}

هیچ‌کدام از برداشت‌های ضروری درباره رابطه حقوق بشر و سرمایه‌داری، عرصه را برای اندیشه «اصلاح» وضعیت فعلی نظام اقتصاد جهانی نمی‌گشاید؛ چراکه رویکرد نخست، حقوق بشر و سرمایه‌داری را مکمل و هم‌افزای یکدیگر می‌داند و هرگونه اشکال در سیستم را هم ناشی از عدم اجرای کامل فرمول آزادسازی به‌منزله تنها بستر فراهم‌کننده حقوق بشر، قلمداد می‌کند؛ از سوی دیگر، رویکرد دوم نیز با نگاهی منفی به این رابطه، سرمایه‌داری را عامل نقض حقوق بشر و راه‌حل را برچیدن نهادهایی مانند سازمان جهانی تجارت و سایر سازمان‌های تجاری سرمایه‌داری می‌دانند.

تنها با اتخاذ رویکردی «غیرضروری» است که می‌توان به ارائه شیوه‌ای برای اصلاح سازمان تجارت جهانی امیدوار بود. حقوق بشر هم در بستر سرمایه‌داری نقض شده است و هم در غیر آن و نمی‌توان میان حقوق بشر و سرمایه‌داری رابطه مکانیکی برقرار کرد یا تصویری سیاه یا سفید از این رابطه ترسیم کرد. بنابراین بهتر است با فریمن شویم و حقوق بشر و سرمایه‌داری را دو مفهوم مجاور یکدیگر بدانیم که می‌توانند بسته به شرایط محیطی متفاوت بر هم اثر مثبت و منفی بگذارند.^{۴۹} به این ترتیب، باید به دنبال روشی بود که بتوان حدی از مقررات حقوق تجاری را تعیین کرد که قابلیت سازگاری در راستای ارتقا و حمایت از حقوق بشر را داشته باشد. این رویکرد به معنای رد رویه‌هایی است که با کلی‌گویی و ساده کردن صورت مسئله، حقوق بشر و سرمایه‌داری (در قالب سازمان جهانی تجارت) را ماهیتاً مخالف

46. Freeman, "Beyond capitalism and socialism," 3.

47. Freeman, "Beyond capitalism and socialism," 4.

48. World Development Movement, "Out of Service: The development dangers of the General Agreement on Trade in Services" (March 2002).

49. Freedman, "Beyond capitalism and socialism," 4.

یا موافق یکدیگر می‌داند.

اهمیت این بحث از آن نظر است که انشقاق میان حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در درون تئوری حقوق بشر طرفداران آزادی اراده (لیبرتریان ها) را به سمت همزاد پنداشتن حقوق بشر و سرمایه‌داری و گرایش این دو به هم سوق داده است. به عبارت دیگر، این عده حقوق بشر و اقتصاد بازار آزاد را لازم و ملزوم یکدیگر قلمداد می‌کنند.

اگرچه علت تصویب دو میثاق جداگانه از حقوق بشر، جنگ سرد و رقابت میان دو ایدئولوژی لیبرالیسم و سوسیالیسم قلمداد شده است، باید دانست برخلاف نگرش رایج، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به لحاظ فلسفی وام‌دار سوسیالیسم نبود؛ چراکه اندیشه حقوق بشر، ریشه در قرون وسطی و مسیحیت دارد و از مبادی و مبانی متفاوتی با سوسیالیسم برخوردار است. به همین علت بود که حتی پس از سقوط کمونیسم نیز انشقاق مفهومی میان حقوق نسل اول و دوم باقی ماند. هرچند کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ در اعلامیه پایانی خود بر یکپارچگی حقوق بشر تأکید کرد،^{۵۰} اما این یکپارچگی هرگز در ساحت فلسفی پدیدار نشد. این انشقاق به دلیل دوگانگی‌ای بود که میان دو تعبیر «مثبت» و «منفی» از حقوق و آزادی‌ها در میان فلاسفه وجود داشته است.^{۵۱} بنابراین، پیوند دادن حقوق بشر با اندیشه سرمایه‌داری بازار آزاد در پوشش دفاع بی‌چون و چرا از آزادی‌های فردی در اقتصاد و اجتماع نمی‌تواند پذیرفته شود.

۴. نتیجه‌گیری

سرمایه‌داری بازار آزاد نه دوستی پایداری با حقوق اقتصادی اجتماعی بشر دارد و نه دشمنی ذاتی با آن. به بیان دیگر، سرمایه‌داری بازار آزاد هم اثر افزایشده و هم کاهشده بر حقوق اقتصادی اجتماعی افراد داشته است. از سوی دیگر، حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز ریشه

۵۰. «کلیه موارد و جنبه‌های حقوق بشر، جهان‌شمول، تفکیک‌ناپذیر، مرتبط و وابسته به هم هستند. جامعه بین‌المللی باید به حقوق بشر به‌منزله کلیتی و با دید منصفانه و در یک سطح و تأکید برابر رفتار کند...» بند سه از قسمت دوم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳.

“Vienna Declaration on Human Rights,” adopted at the World Conference on Human Rights held in Vienna on 25 June 1993, the United Nations A/CONF. 157/23 (12 July 1993).

51. Isaiah Berlin, *For Essays on Liberty* (New York: Oxford University Press, 1969), 118-173; and G. C. MacCallum, “Negative and Positive Freedom,” C. Jr. Gerald, *Philosophical Review* 76, no. 3 (Jul 1967): 312-334.

در اندیشه‌های سوسیالیسم و مارکسیسم ندارد؛ چراکه به لحاظ مبانی، حقوق بشر از حقوق طبیعی با ریشه مسیحی سرچشمه گرفته است و مارکسیسم به دنبال سکولاریزه شدن مفهوم حقوق طبیعی و قرار گرفتن «منطق علمی» در مبنایش، منطق حقوق طبیعی و حقوق بشر را غیرعلمی می‌داند. بنابراین باید ذهن را از پیش‌داوری‌های ایدئولوژیک پالوده کرد و زمینه تعامل این دو مفهوم را در عرصه سازمان جهانی تجارت فراهم آورد. حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر، موضوعی سیاسی، آنگونه که سازمان جهانی تجارت قلمداد می‌کند، نیست. از سوی دیگر، نظام تجارت جهانی نیز با نقض حقوق بشر مساوی نیست. دولت باید در مقررات بین‌المللی تجارت فضای کافی برای تضمین دسترسی مناسب افراد به بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی و کار را داشته باشد. این در حقیقت تعدیل اتکا به تئوری سرمایه‌داری بازار آزاد و رد معادله سرمایه‌داری بازار آزاد به منزله تنها فرمول تأمین‌کننده توسعه و رفاه انسانی است. برخلاف دسته‌بندی مقررات حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بشر در چهارچوب نظام‌های خودبسنده، این دو نظام حقوقی نمی‌توانند بی‌اعتنا به یکدیگر حرکت کنند. حقوق تجارت بین‌الملل با اتکای بر قدرت الزام‌آوری بالای خود و گستره موضوعاتی که با آنها دخیل است، تأثیر زیادی بر قواعد و مقررات بین‌المللی حقوق بشر می‌گذارد؛ اما سازوکارهای برخورد با موضوعات حقوق بشری در بستر حقوق تجارت پیچیده است. ادعاهایی مبنی بر برتری و اولویت مقررات یکی از این دو نظام حقوقی بر دیگری، گره از مشکلات نمی‌گشاید. لازم است موضوعات حقوق بشری که در بستر سازمان جهانی تجارت رخ می‌دهد را ارزیابی دقیق کنیم تا بتوانیم پاسخ‌هایی درخور به برخورد این دو شاخه از حقوق بین‌الملل دهیم.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- بارون، استفان. «نابرابری یک الزام است [مصاحبه با هایک]». ترجمه هوشنگ امینی. نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳ (۱۳۷۷).
- بشیریه، حسین. «بزرگان لیبرالیسم جدید در مقابل تجربه دولت رفاهی». هم میهن (مورخ ۷ و ۱۳۷۹/۲/۸).
- جعفری صمیمی، احمد. «بررسی تحولات اخیر در مکتب‌های اقتصاد کلان». پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۵ (زمستان ۱۳۷۶): ۳۱ - ۵۴.
- سن، آمارتیا. توسعه یعنی آزادی. ترجمه محمد سعید نوری نائینی. چاپ دوم. تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- غنی‌نژاد، موسی. درباره هایک. چاپ اول. تهران: نگاه معاصر (وابسته به توسعه پژوهشی نگاه معاصر)، ۱۳۸۱.
- غنی‌نژاد، موسی. مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی اقتصاد. چاپ اول. تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.
- غنی‌نژاد، موسی، و خشایار دیهیمی. «مروری بر آثار و اندیشه‌های هایک». بررسی‌های بازرگانی، شماره ۵ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳).
- فریدمن، میلتون. سرمایه‌داری و آزادی. ترجمه غلامرضا رشیدی. تهران: نشر غزال، ۱۳۸۰.
- فلسفی، هدایت‌الله. حقوق بین‌الملل معاهدات. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳.
- کالینکوس، آکس. مانیفست ضد سرمایه‌داری. چاپ اول. ترجمه ناصر زرافشان. تهران: آگاه، ۱۳۸۶.
- گری، جان. «بازارهای جهانی به‌مثابه یک اتوپیا». ترجمه امیر ترکمانی. هفته‌نامه عصر ما، شماره ۲۰۳ (۱۳۹۲).
- هاروی، دیوید. تاریخ مختصر نئولیبرالیسم. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: اختران، ۱۳۸۶.
- هایک، فردریش فون. در کنگره آزادی. ترجمه عزت... فولادوند. چاپ اول. تهران: لوح فکر، ۱۳۸۲.
- هایک، فردریش فون. قانون، قانونگذاری و آزادی. چاپ اول. ترجمه موسی غنی‌نژاد و مهشید معیری. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.

ب- منابع لاتین:

- “Commission on Human Rights Decision.” 2000/102, 17 April 2000.
- “Government of South Africa and Other v Grootboom.” (2001) 1 SA 46 CC and Treatment Action, Campaign & Ors v. Minister of Health & Ors (2002) 5 SA 721 CC.
- Anderman, S., G. Bamodu, J. Dine, M. Blecher, F. Brennan, and M. Freeman. *Human rights and capitalism: a multidisciplinary perspective on globalisation*. Edward Elgar Publishing, 2006.
- Berlin, Isaiah. “Four Essays on Liberty New York: Oxford Univ.” (1969).
- Brett, Annabel S. *Liberty, right and nature: individual rights in later scholastic thought*. Vol. 44. Cambridge University Press, 2003.
- CESCR. General Comment No. “The nature of States Parties Obligations.” (1991)
- Cottier, Thomas. “Trade and Human Rights: a relationship to discover.” *Journal of International Economic Law*. (Mar2002): 111.
- Donnelly, Jack. “Natural law and right in Aquinas' political thought.” *Western Political Quarterly* 33, no. 4 (1980): 520-535.
- Donnelly, Jack. *Universal human rights in theory and practice*. Cornell University Press, 2013.
- Garcia, Frank J. “The global market and human rights: trading away the human rights principle.” In *Human Rights*, 359-405. Routledge, 2017.
- Gray, John. “The End of the End of History.” *IWM Newsletter* 77, no. 3 (2002).
- Gray, John. *False dawn: The delusions of global capitalism*. Granta Books, 2015.
- Harrison, James. *The human rights impact of the World Trade Organisation*. Bloomsbury Publishing, 2007.
- Hayek, Friedrich August, and Ronald Hamowy. *The constitution of liberty: the definitive edition*. Routledge, 2020.
- MacCallum, Gerald C. “Negative and positive freedom.” In *Liberty Reader*, 100-122. Routledge, 2017.
- Marceau, Gabrielle. “WTO dispute settlement and human rights.” *European Journal of International Law* 13, no. 4 (2002): 753-814.
- OHCHR. “Liberalisation of Trade and Services and Human Rights—Report of the High Commissioner.” (25 Jun 2002) E/CN.S/Sub.2/2002/9 (Report on GATS), para 5.

- Oloka-Onyango, Joseph, and Deepika Udagama. "Globalization and its impact on the full enjoyment of human rights: final report/submitted by J. Oloka-Onyango and Deepika Udagama in accordance with Sub-Commission decision 2000/105." (2003).
- Petersmann, Ernst-Ulrich. "Time for a United Nations 'Global Compact' for integrating human rights into the law of worldwide organizations: lessons from European Integration." *European Journal of International Law* 13, no. 3 (2002): 621-650.
- Rand, Ayn. *The Virtue of Selfishness*. [REVIEW] George P. Klubertanz Signet: 1964.
- Ranelagh, John. "Thatcher's people: an insider's account of the politics, the power and the personalities." *Harper Collins* (1991).
- The Nature of States Parties Obligations" (Art. 2, par.1): 14/12/90, CESCR, General Comment 3, para 9.
- The right to social security: General Comment No. 18 (2008), under discussion, the committee on economic, social and cultural rights." Visited on 13/12/2008, <http://www2.ohchr.org/english/bodies/cescr/comments.htm>.
- Tierney, Brian. *The idea of natural rights: studies on natural rights, natural law, and church law*. Vol. 5. Wm. B. Eerdmans Publishing, 2001. 1150-1625.
- Tuck, Richard. *Natural Rights Theories: Their Origin and Development*. Cambridge University Press, 1979.
- UN ECOSOC. "The Realization of Economic, Social and Cultural Rights. Human Rights as the primary objective of international trade, investment and finance policy and practice." *Working Paper submitted in accordance with Sub-Commission resolution 1998/12*, 17 June 1999, E/CN.4/Sub.2/1999/11.
- Woodruffe, J., and C. Joy. "Out of Service: The Development Dangers of the General Agreement on Trade in Services." *World Development Movement* (2002).